

AET0
ASIAN AND MIDDLE EASTERN STUDIES TRIPOS PART IA

Middle Eastern Studies

Monday 2 June 2014 09.00 – 12.00

MES 3

Persian Language

*Answer **all** questions.*

*Write your number **not** your name on the cover sheet of **each** answer booklet.*

STATIONERY REQUIREMENTS SPECIAL REQUIREMENTS

20 Page Answer Book x 1

None

Rough Work Pad

**You may not start to read the questions
printed on the subsequent pages of this
question paper until instructed that you
may do so by the Invigilator.**

SECTION A

1 Translate the following unseen text into English [10 marks]

۱ هنگامی که شهرت عشق مجنون به لیلی در همه جا پیچیده بود و همه داستان این
دلدادگی را شنیده بودند، پدر مجنون که از رفتار پسرش و سرزنش مردم خسته
۳ شده بود در یک ضیافت بزرگ از همه بزرگان و اقوام خواست تا برای این
مشکل چاره ای بجویند.

۵ پس از ساعت ها بحث و گفت و گو به این نتیجه رسیدند که باید در سفری به مکه
و در زیارت خانه خدا از پروردگار برای شفای او کمک بخواهند. پدر کاروانی
۷ آماده کرد و هنگام مراسم حج به همراه مجنون و عده ای دیگر به راه افتاد.

آنجا که رسیدند، پدر از مجنون خواست تا اینکه از خداوند بخواهد هر چه زودتر
۹ بهبود یابد.

مجنون چو حدیث عشق بشنید اول بگریست پس بخندید

۱۱ و چنین گفت: "خدایا، اینها می خواهند عشقم را رها کنم، اما این کار درستی
نیست. اگرچه من بسیار عاشقم، اما می خواهم حتی بیشتر از این عاشق باشم.
۱۳ خدایا، هرچه از عمر من باقی مانده است بگیر و آن را به عمر لیلی اضافه کن.

پدرش که راز و نیاز مجنون را می شنید، به عشق او پی برد و دانست که
۱۵ درمانی نخواهد داشت.

Line 2 love دلدادگی

Line 2 blame سرزنش

Line 4 Solution چاره

Line 9 Hadith, story حدیث

2 Translate the following seen text into English [10 marks]

- ۱ ولی آن روز صبح وقتی به عادت مرسوم که قبل از بیرون آمدن از رختخواب،
قدری به این طرف و آن طرف غلت میزنم و خمیازه می کشم و به اطراف نگاه
۳ می کنم، از پنجره به بیرون نگاه کردم، چشمم بر نخل های بلندی افتاد که در
داخل حیاط، شاخه هایش از باد تندی تکان می خورد و باز دورتر، سرهای
۵ درختان خرما بسیار دیده می شد. نه، خواب نمی دیدم. مشغول تماشای فیلمی
هم نبودم. من خودم بودم که از خواب بیدار شده بودم و با دو چشمم در عالم
۷ بیداری درختان نخل را در خارج می دیدم که شاخه هایشان از وزش باد می
لرزید و صدای خش خش آن به گوش من می رسید.
- ۹ خانه ام محوطه بزرگی بود که بیشتر به یک باغ متروک و فراموش شده شباهت
داشت که یک ساختمان پهن با یک ردیف ستون چهار گوش و کوتاه در وسط آن
۱۱ قرار داشت که کف اتاق های آن با زمین حیاط برابر بود. زمینی که دور تا دور
آن ساختمان بود شاید در چندین سال قبل باغچه بندی شده بود که تنها درختان
۱۳ قابل ذکر آن همین نخل ها بودند که بدن های کلفت و گره دارشان با الیاف قهوه
ای رنگ، مانند ستونهایی، اینجا و آنجا دیده می شد. در گوشه باغ هم نزدیک
۱۵ سوراخی که در پای دیوار قرار داشت و شاید محل ورود یا خروج آب بود چند
درخت کج و معوج که شاخه هایشان به طرف زمین خم شده بود خودنمایی می
۱۷ کرد. در باغچه ها علف های خودرو بسیار روئیده شده بود و مثل بیابانی بود که
علف های بهاریش از تابش آفتاب سوزان تابستان خشکیده باشد.

از مرزبان، اثر رضا بابامقدم

W. M. Thackston, *An Introduction to Persian* (Bethesda: IBEX, 1993), pp 233-234.

(TURN OVER)

SECTION B

3 Choose **one** of the following topics for a composition in **Persian** of **about 100 words** [30 marks]

- (a) If you could invite anyone to join you for dinner, whom would it be and why?
- (b) Describe and explain your goals for learning Persian.
- (c) Write a review about a film you have seen recently.
- (d) Write a letter to your head of department regarding your concerns for the year abroad.

SECTION C

Answer **all** the following questions [20 marks]

4 Give the **first person singular** forms of the **simple present** (present indicative) and **past perfect** (remote absolute) of the verbs below in Persian:

- (a) To give
- (b) To build
- (c) To put
- (d) To live
- (e) To enjoy

5 Translate the following sentences into **Persian**

- (a) The architecture of the houses indicates the simplicity of life in this old village.
- (b) I tried as hard as I could to sleep, but it was no use.
- (c) It is unlikely that I would have the courage to apply for the job without your encouragement.
- (d) Let's start a new life. We should forget all the problems we had.
- (e) He told me once again that he had definitely told you about his intention.

6 **Analyse** and **translate** the following into **English**

- a نمی بینمشان
- b خندانندیدمان
- c دانشمند
- d ناشنوا
- e خستگی

7 **Complete** the sentences with the correct form of the terms given in the brackets and then **translate** the complete sentences

- a تاکنون برادرم به هیچیک از کشورهای خاور میانه (سفر کردن)
- b به او گفتم: "بهتر است برنامه دیگری (دیدن)"
- c اگر فردا هوا خوب (بودن)، همسرم بچه ها را به موزه ملی می برد.
- d پزشکان هنوز از اتاق (خارج شدن) که بیمار از دنیا رفت.
- e از هدیه ای که برای فارغ التحصیلیم آوردند خوشم (آمدن)

END OF PAPER